



The investigation of place implications as cultural codes in the novel "Love in Exile" written by Bahaa Taher

Reza Darvishzadeh¹, Ali Akbar Ahmadi Chenari², Abdolbaset Arab Yusofabady³

¹ Master of Arabic Language and Literature, University of Zabol

² Associate Professor of Arabic Language and Literature, University of Zabol

³ Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Zabol

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
08/12/2022
Accepted:
01/07/2023

Today, due to the widespread cultural interactions and movements, the element of place has lost its static nature, as it had ancient stories, and has become a dynamic element in terms of meaning and implication. This dynamicity is more visible in novels about immigration since the cultural confrontation and, consequently, the multiplicity of meanings is provided in these types of novels more than others. "Love in Exile", the famous novel of the Egyptian storyteller, Bahaa Taher, is one of the narrative works in which place plays an important role in the reader's perception of the overall plot of the story. Intercultural communication in this work has caused the place to become a cultural code with deep and complex implications. The present study attempts to discover the implications of place in the above-mentioned work by relying on the descriptive-analytical method and by emphasizing the achievements of cultural studies. The findings indicate that, in this novel, an international conference is depicted as a central place from which the concept of multiculturalism is inferred and all events are valued accordingly. Also, based on cultural relations, each place has a meaning the understanding of which can be fulfilled through categories such as ideological identity and intellectual and cultural patterns of characters.

Keywords: *place, intercultural relations, cultural codes, Bahaa Taher, " Love in Exile".*

Cite this article: Darvishzadeh, Reza., Ahmadi Chenari, Ali Akbar., Arab Yusofabady, Abdolbaset. (2024). *The investigation of place implications as cultural codes in the novel "Love in Exile" written by Bahaa Taher* Vol. 16, New Series, No.55, Spring 2024: pages:106-124.

DOI: 10.30479/lm.2023.18140.3479



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Ali Akbar Ahmadi Chenari

Address: Associate Professor of Arabic Language and Literature,
Zabol University

E-mail: ali_ahmadi@uoz.ac.ir

واکاوی دلالت مکان به‌عنوان رمزگان فرهنگی در رمان «الحب فی المنفی» اثر بهاء طاهر

رضا درویش‌زاده^۱، علی‌اکبر احمدی چناری^۲، عبدالباسط عرب یوسف‌آبادی^۳

^۱ دانش‌آموخته گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

امروزه به دلیل تعاملات فرهنگی و جابه‌جایی‌های گسترده، عنصر مکان از حیث معنا و دلالت به عنصری سیال تبدیل شده است. در رمان‌هایی که موضوع آن‌ها مهاجرت است، این سیالیت نمود بیشتری دارد؛ زیرا در آن‌ها زمینه تقابل فرهنگی و در نتیجه تکرر معنا بیشتر از سایر رمان‌ها فراهم است. مکان در رمان «الحب فی المنفی» اثر بهاء طاهر از عناصر مهم در دریافت خواننده از طرح کلی داستان است. ارتباطات بینا فرهنگی در این اثر سبب شده است مکان به رمزگانی فرهنگی با دلالت‌های ژرف و پیچیده مبدل شود. در جستار حاضر تلاش می‌شود با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر دستاوردهای مطالعات فرهنگی، دلالت‌های مکان در اثر فوق کشف گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد کنفرانس بین‌المللی در این رمان به‌عنوان مکان محوری ترسیم شده که کانون تقابل گفتمان‌ها و فرهنگ‌هاست و همه رخدادهای محور آن پردازش می‌شود. همچنین عاملی که سبب می‌شود عنصر مکان نمادینگی بیشتری در این رمان بیابد، تقابل میان گفتمان امپریالیستی و گفتمان سوسیالیستی است که راوی به‌عنوان شخصیت اصلی، نماینده گفتمان سوسیالیستی است و علاوه بر تقابل این دو گفتمان، حضور در یک فضای بین‌المللی باعث می‌شود که دیگر مؤلفه‌های فرهنگی و بین‌المللی هم بر دلالت رمزگان‌ها اثرگذار باشد.

کلمات کلیدی: مکان، روابط بینا فرهنگی، رمزگان فرهنگی، بهاء طاهر، «الحب فی المنفی».

استاد: درویش‌زاده، رضا؛ احمدی چناری، علی‌اکبر؛ عرب یوسف‌آبادی، عبدالباسط (۱۴۰۳). *واکاوی دلالت مکان به‌عنوان رمزگان فرهنگی در رمان «الحب فی المنفی» اثر بهاء طاهر*، سال شانزدهم، دوره جدید، شماره پنجاه و پنجم، بهار ۱۴۰۳: ۱۲۴-۱۰۶.



حق مؤلف © نویسندگان.

DOI: 10.30479/lm.2023.18140.3479

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. مقدمه

داستان‌های سنتی اغلب دارای مکان‌های محدودی است. این مشخصه نشأت گرفته از سبک زندگی افراد در جوامع سنتی و خصیصه کاهش فضا در این جوامع است؛ زیرا در این گونه جوامع، زندگی افراد بر مدار ثابتی جریان دارد و از آنجا که داستان‌ها غالباً رونوشتی خیالی و گاه حقیقی از زندگی افراد جامعه است، این سبک زندگی به قلمرو داستان نیز وارد شد؛ در نتیجه مکان‌ها در آثار روایی عصر پیشامدرن، از حیث دلالت، ایستا و راکد و دارای دلالت‌های محدود مشخص است. مهم‌ترین جلوه مکان در داستان سنتی صحنه‌پردازی اولیه است. اغلب داستان‌پردازان قدیمی، داستان را با توصیف طولانی از طبیعت شروع می‌کنند؛ بنابراین اگر این بخش از داستان حذف شود، کوچک‌ترین صدمه‌ای به داستان وارد نمی‌شود (میرصادقی، ۱۳۹۲: ۴۵۴). در داستان‌های سنتی توصیف مکان، تقلیدی و بدون توجه به پیکره اصلی داستان است و توصیفات چنان متراکم و انبوه است که باعث کاهش ارزش آن اثر می‌شود (عزام، ۲۰۰۵: ۳۹)؛ اما در داستان‌های مدرن، به‌واسطه پیشرفت تکنولوژی، گستردگی تعاملات فرهنگی و دستیابی بشر به وسایل ارتباط جمعی و وسایل حمل‌ونقل نوین این امکان برای او فراهم آمده تا به‌سرعت و در مدتی کوتاه به مکان‌های مختلف و دور و نزدیک سفر کند؛ بنابراین مکان در این داستان‌ها از نمادینگی و گستره معنایی فراوانی برخوردار است.

معیار واکاوی دلالت‌های مکان در این پژوهش، دستاوردهای مطالعات فرهنگی است. این روش، مکان را در رمان مدرن به‌عنوان رمزگان فرهنگی مطالعه می‌کند و هدف آن کشف دلالت در پرتو مناسبات فرهنگی حاکم بر متن است. مطالعات فرهنگی از پیامدهای جریان پسا‌ساختارگرایی است که مرکزیت متن را به حاشیه می‌راند و «رابطه بین متن ادبی و بافت فرهنگی» (هرمن و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۷) را به‌منظور دریافت لایه‌های پنهان معنا واکاوی می‌کند. این رویکرد طیف وسیعی از دانش‌ها همچون جامعه‌شناسی، تاریخ، علوم سیاسی و فلسفه را در تفسیر و تأویل متن به یاری می‌طلبد؛ بنابراین دانشی بینارشته‌ای محسوب می‌شود. اگر فرهنگ، مجموعه‌ای از «ارزش‌ها، عقاید، باورها، جهان‌بینی و نظایر آن» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۴) در نظر گرفته شود، در این صورت ارتباط این علوم با این روش بهتر مشخص می‌شود. از دیگر سو؛ فرهنگ در تولید متن ادبی و دلالت‌های آن نقشی تعیین‌کننده دارد؛ زیرا تعیین می‌کند افراد چگونه پیام‌های خود را رمزگذاری نمایند (همان: ۱۳۶).

رمان «الحب فی المنفی» از بهاء طاهر (۱۹۳۵ م) روایتگر زندگی یک چهره فرهنگی (ژورنالیست مهاجر مصری) در اروپاست که حوادث آن در بستر کنفرانسی بین‌المللی اتفاق می‌افتد. گرایش‌های سوسیالیستی راوی، تقابل فکری او با جبهه امپریالیسم، جدایی از همسر اول و ازدواج مجدد در غربت و همچنین حضور در کنفرانس بین‌المللی باعث تقابل‌ها و تعاملات فرهنگی بسیار و خلق گفتمان‌های متعدد در این اثر روایی شده است. همچنین عدم معرفی شهر محل برگزاری کنفرانس توسط راوی که

بیشتر حوادث در بستر آن انجام می‌گیرد، سبب شده که عنصر مکان در این رمان به رمزگانی فرهنگی تبدیل شود. انتخاب روش مطالعات فرهنگی در این پژوهش، با در نظر گرفتن مضمون اصلی رمان «الحب فی المنفی» یعنی مهاجرت انجام گرفته است؛ زیرا این پدیده از جمله جریانات اجتماعی است که بستر تقابل‌های فرهنگی و شکل‌گیری روابط بینافرهنگی به شمار آمده و زمینه را برای «فضای جهانی شدن» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۹۱) و برخورد فرهنگ‌ها و دلالت‌های مختلف واحدهای زبانی فراهم می‌آورد. در جستار حاضر تلاش می‌شود از رهگذر واکاوی دلالت مکان در اثر فوق، با استفاده از دستاوردهای مطالعات فرهنگی، به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شود:

مکان به‌عنوان یک رمزگان فرهنگی در این رمان از چه منظری قابلیت سطح‌بندی دارد؟
روابط بینافرهنگی چه نقشی در افزایش سطح نشانگی مکان‌ها در اثر فوق دارند؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

اکثر پژوهش‌هایی که درباره رمان «الحب فی المنفی» انجام شده در زمینه موضوع محوری رمان؛ یعنی مهاجرت و تبعات آن است. از آن جمله: بدوی (۱۹۹۷ م) در مقاله «روایة الغربة: الحب فی المنفی» در بررسی درونمایه غربت به‌عنوان درونمایه محوری رمان به این رهیافت رسید که غربت راوی از نوع غربت درونی است. فراج‌النابی (۲۰۱۱ م) در مقاله «الحب فی المنفی: بهاء طاهر والبحث عن الهوية» موضوع هویت را در این رمان بررسی کرده و به این نتیجه دست یافت که غربت راوی باعث هویت‌باختگی او نشده است. اصغری (۱۳۹۰ ش) در مقاله «ویژگی‌های فنی و موضوعی داستان در آثار بهاء طاهر» شگردهایی همچون پیرنگ نزولی، داستان موقعیت، رمان دراماتیک، عنصر مکان و محتوا و درون‌مایه‌ها را در تمامی آثار داستانی بهاء طاهر بررسی نمود. اسلامی (۱۳۹۴ ش) در پایان‌نامه «نمودهای خود و دیگری در رمان الحب فی المنفی و واحه الغروب» مقوله هویت و تقابل شخصیت اصلی (خود) و دیگری را در این دو رمان بررسی کرده است. همچنین در ارتباط با مسئله مکان در آثار داستانی بهاء طاهر چند پژوهش یافت شد. از آن جمله: المعمری (۲۰۲۲ م) در مقاله «بهاء طاهر صوت المكان والإنسان» که معتقد است عنصر مکان یکی از عناصر برجسته در آثار داستانی بهاء طاهر است. همچنین در داستان‌های وی مهم‌ترین مسائل مربوط به انسان، دغدغه‌ها و آینده او مطرح می‌شود. بکلیزی (۲۰۲۰ م) در پایان‌نامه «التشکیل الفني في أعمال بهاء طاهر الروائية» به صورت کلی تمامی عناصر داستانی را در تمامی آثار بهاء طاهر بررسی نمود. او به بررسی عنصر مکان و شیوه‌های توصیف آن در این آثار نیز پرداخت. عبدالسلام (۲۰۲۳ م) در مقاله «الهوية الجمالية للمكان قراءة في واحه الغروب لبهاء طاهر» معتقد است بهاء طاهر در رمان واحه الغروب از انواع مکان‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی در جهت زیباسازی شیوه‌های روایی این دو رمان، بهره برده است. همچنین اخیراً مقاله‌ای با عنوان «المكان الروائي في إبداع

بهاء طاهر: دراسة في تطور التشكيل والأنساق الثقافية» در صفحات اینترنت مشاهده گردید که امکان دسترسی به اصل مقاله و بررسی آن برای نویسندگان مقاله حاضر مهیا نشد.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. چارچوب نظری پژوهش

تعریف دقیقی از مطالعات فرهنگی که پژوهشگران بر آن اتفاق نظر داشته باشند، وجود ندارد. پژوهشگران این حوزه بر این باورند که این رویکرد اساساً یک رویکرد بینارشته‌ای است که پژوهشگر در آن از دستاوردها و مطالعات دانش‌هایی مانند جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مردم‌شناسی بهره می‌گیرد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷). با نظر به ماهیت چندوجهی این رویکرد مطالعاتی، در این جستار پس از مراجعه به منابع معتبر، مقوله‌های بنیادی ذیل در حوزه علوم مختلفی که یاد شده، جهت تحلیل گزینش شده است:

- هژمونی: بنیان‌گذار این تئوری، آنتونیو گرامشی (۱۸۹۱-۱۹۳۷ م)، فیلسوف و جامعه‌شناس ایتالیایی است. بر اساس دیدگاه وی، هژمونی به‌نوعی از رهبری فکری و فرهنگی اطلاق می‌شود که توسط طبقه حاکم اعمال می‌گردد (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۷۸). منظور از اعمال نظر طبقه حاکم (فراست)، اعمال مؤلفه‌های فرهنگی خودشان بر جوامع فرودست است.

- چندفرهنگ‌گرایی (multiculturalis): نظریه‌ای ایدئولوژیک که مبتنی بر برخورداری همه انسان‌ها -از نژاد و ملیت‌های گوناگون- از زندگی مسالمت‌آمیز و حقوق شهروندی همانند است.

- هویت، نژاد، جنسیت و ایدئولوژی (الغذامی، ۲۰۰۰: ۱۸-۲۷).

- تقابل‌های دوگانه: ازجمله مبانی اساسی در تحلیل‌های نشانه-معناشناسی است و بر این اصل استوار است که «اجزای یک متن به‌عنوان موجودیت‌هایی مستقل، معنایی ذاتی ندارند؛ بلکه اعتبار خود را از تقابل‌هایی می‌گیرند که به نوبه خود در روند نشانگی به‌لحاظ نظری نامحدود و با تقابل‌های دیگری در ارتباطاند» (کالر، ۱۳۹۰: ۷۵).

هریک از این فرآیندها نقشی تعیین‌کننده در ارتباطات بینافرهنگی دارند. این ارتباطات موجبات بده و بستان یا فرآیندهای «جذب و طرد» (سجودی، ۱۳۹۰: ۱۴۵) را فراهم می‌آورد که نهایتاً موجب خلق دلالت‌های جدید برای دال‌ها می‌شود (ر. ک: قربانی مادوانی و عربی، ۱۳۹۷: ۸۷). مکان‌ها نیز به‌عنوان بخشی مهم از دال‌ها در متون روایی در جریان بده و بستان و تعاملات فرهنگی دلالت‌های جدیدی پیدا می‌کنند که نشانه‌شناسی فرهنگی سعی در کشف آن‌ها دارد. کورت درباره اهمیت مطالعه مکان در رمان بر مبنای مطالعات فرهنگی می‌گوید: «فضا و مکان که همواره در روایت حضور داشته، در داستان‌های مدرن

نه فقط به دلایل ارتباط با فضا و بافت و متن؛ بلکه به علت حضور در ساختار فرهنگی زبان، اهمیت ویژه‌ای یافته است» (کورت، ۱۳۹۱: ۲۴).

۲-۲. تحلیل دلالت‌های عنصر مکان در رمان «الحب فی المنفی»

در این پژوهش تقسیم‌بندی مکان بر مبنای وسعت و گستردگی و دایره شمول مکان‌ها در سه سطح انجام شده است: مکان جهانی، مکان عمومی و مکان شخصی. از آنجا که راوی/ قهرمان در رمان «الحب فی المنفی» در فرایند مهاجرت، به تدریج از فضاهای کوچک‌تر به سطوح بالاتر و عمومی‌تر حرکت می‌کند، مدل مذکور انتخاب شده است.

۲-۲-۱. مکان‌های جهانی

انسان موجودی است اجتماعی که نقش‌ها و عملکردهای وی تنها در تعامل با محیط اطراف و جامعه معنا پیدا می‌کند؛ به همین جهت تجربه حضور وی در مکان‌های جامع و جهانی که حاصل تفاوت‌های فرهنگی گسترده‌ای است، جایگاه خاصی در مطالعات فرهنگی دارد. مکان‌های جهانی شامل فضاهایی همچون کنفرانس‌ها، همایش‌ها، فرودگاه، هتل و غیره است که به افراد اجازه می‌دهد که حتی هنگامی که از بسیاری جهات با هم تفاوت دارند، با یکدیگر و حتی با همه مخلوقات احساس نزدیکی کنند (کورت، ۱۳۹۱: ۲۳۴). در رمان «الحب فی المنفی» با مکان‌های متعدد و مختلفی با این ویژگی‌ها مواجه هستیم که هرکدام می‌تواند بر اساس تعاملات فرهنگی و ارتباطات بین‌فرهنگی، دلالت معنایی گسترده در سطح جهانی و بین‌المللی داشته باشد.

فرودگاه: یکی از مکان‌های جهانی موجود در رمان، فرودگاه است. از منظر مطالعات فرهنگی، فرودگاه دروازه ارتباط فرهنگ‌ها با یکدیگر است و می‌توان آن را نقطه مشترک شادی، رنج، دلهره، اضطراب، جدایی و دیدار دوباره انسان‌ها برشمرد؛ بنابراین کمتر مکانی را می‌توان پیدا کرد که مانند فرودگاه حامل این میزان از تضاد باشد (محمدحسینی: ۱۳۹۶/۹/۱۷ ش). در ارتباط با فرودگاه به‌عنوان مکانی جهانی باید گفت این مکان در طول داستان، مفهوم مرکزیت فرهنگی پیدا می‌کند. تجمع روزنامه‌نگاران، سیاسیون و افرادی که گزارشگر رخداد‌های مهم جهان هستند، بر جهانی‌شدگی فرودگاه می‌افزاید: «وکت اذهب کل یوم إلى المطار. أقام الصحفيون هناك ما يشبه مركز العمليات، وكننا ننتظر كل طائرة تأتي من دمشق أو من قبرص أو أثينا، ننتظر أي زميل عائد من بيروت أو أي دبلوماسي أو أي شخص يمكن أن يكون قد رأى صبرا و شاتيلاً بعد المذابح» (همان: ۲۲۲). چنین کارکردی از فرودگاه در این رمان به این سبب است که فرودگاه در تبدلات فرهنگی امروزی، مرکز برخورد گروه‌ها و اقوام و افراد مختلفی از نژادها و ملیت‌های گوناگون است. جمع‌شدن خبرنگاران مختلف در این فضا می‌تواند نمادی از جهانی‌شدگی فرودگاه و

افرادی که در آن تردد می‌کنند، باشد. آوردن نام دو اردوگاه صبرا و شتیلا به‌عنوان رمزگان فرهنگی، باعث می‌شود فرودگاه در دیدگاه راوی مفهوم ایدئولوژی و قومیت بگیرد و معنی تقابل با گفتمان مخالف یعنی صهیونیسم را تداعی نماید. به‌زعم او، همه روزنامه‌نگاران از همه ملیت‌ها در فضایی از همدلی و جهانی‌شدگی، در قبال کشتار صبرا و شتیلا به وحدتی معنوی و انسان‌مدار می‌رسند؛ زیرا فارغ از ملیت خود، در برابر این مصیبت جهانی احساس مسئولیت می‌کنند: «واختفت حتی المنافسة الصحفية التقليدية، فکان کل من يعرف خبرا أو يتصل بأي مصدر يبلغ الباقين بما عرفه. بدت وجوه الصحفيين أيامها متجهة، تغالب نوعا من الإحساس بالعار، و كأنما هم أيضا قد شاركوا في المذبحة» (همان).

هتل: یکی دیگر از مکان‌های جهانی در این رمان هتل است که دارای شمولیت جهانی است؛ زیرا هتل محل اقامت جهان‌گردانی است که از کشورهای مختلف وارد کشوری دیگر می‌شوند. چنین مرکزیتی از هتل می‌تواند دال بر چندفرهنگ‌گرایی عنصر مکان باشد. چندفرهنگ‌گرایی، عکس‌العملی است در مقابل هژمونی غربی و گفتمان امپریالیستی که اروپا را به‌عنوان مرکز فرهنگی معرفی می‌کند. هدف این دیدگاه، درهم‌شکستن هیمنه فرهنگی نژاد سفید اروپایی و همچنین مردسالاری است؛ بنابراین به فرهنگ‌های بومی و نژادهای سیاه‌پوست و رنگین‌پوست که امپریالیسم، آن‌ها را فرودست می‌خواند، وجاهت می‌بخشد (الغذامی، ۲۰۰۰: ۶۱). از جمله کارکردهای فرهنگی هتل در رمان «الحب فی المنفی»، مرکزیت آن برای تشکیل یک روزنامه در بین مهاجران عرب است که به مسائل قومی پردازد و از این طریق به‌نوعی سدی باشد در مقابل هژمونی فرهنگ غربی. ایده تشکیل این روزنامه در هتلی اتفاق می‌افتد که راوی به‌همراه یکی از دوستانش به نام یوسف به دیدار یک شاهزاده بانفوذ و ثروتمند عرب به نام امیر حامد می‌رود: «في الواقع أن فکرتي كما شرحتها ليوسف هي أن نصدر صحيفة صغيرة ولكنها تضم صفوة الأقالام العربية. أقصد الأقالام القومية والتقدمية. أنا أعرف اتجاهك الناصري بالطبع، ويخطئ من يحسب أننا كنا ضد المرحوم ناصر. بالعكس نحن، أو على الأقل أنا، أعرف أنه الوحيد الذي حاول أن يصنع شيئا لهذه المنطقة. لم يكن أحد يسمع بنا قبله ولكنه أعطى لبلادنا قيمة في العالم. وكان يتعلم من أخطائه، عرف تماما قبل أن يموت أن السوفييت كانوا يخدعونهم وأنه لا مصلحة لنا في أن نناطح أمريكا. وكان على وشك أن يتغير وأن يغير ولكن...» (همان: ۱۵۳). چنان‌که ملاحظه می‌شود، موضع راوی در تقابل با امپریالیسم غرب همان موضع جمال عبدالناصر است، با این تفاوت که وی معتقد است در اعتماد به بلوک شرق باید جانب احتیاط را رعایت کرد و از درگیری مستقیم با سردمدار بلوک غرب پرهیز کرد؛ بلکه با ابزار فرهنگی، مثل چنین رسانه‌ای، به مقابله با آن‌ها پرداخت. در واقع این همان کارکردی است که گفتمان پسااستعماری از روشنفکرانی انتظار دارد که زادگاه آن‌ها سابقه استعمارزدگی دارد. حضور راوی در هتل و تجمع افراد در آن به راوی داستان، فرهنگی تازه ارائه می‌دهد، فرهنگی که برخاسته از چندین فرهنگ است؛ این امر، چندفرهنگ‌گرایی هتل را در این رمان تقویت می‌کند. این کارکرد هتل در تک‌گویی زیر از راوی مشهود است؛ آنجا که راوی

قصده دارد جلساتی متعدد با روزنامه‌نگاران در لابی هتل داشته باشد: «كنت أشعر بتعب شديد ولكني اتصلت بإبراهيم في فندقه لأقول له إنني أخذت موعداً مع أحد الصحفيين وإنني سأمر عليه في الفندق لكي نذهب معاً» (طاهر، ۲۰۰۱: ۷۰).

کنفرانس: کنفرانس‌ها به‌عنوان مکانی جهانی و بین‌المللی، موجب ترویج روحیه همکاری میان فرهنگ‌های مختلف و ایجاد احترام متقابل در میان انسان‌ها می‌شود. همچنین در شنا سایی دغدغه‌های مشترک فرهنگ‌ها و پیدا کردن راه‌حل برای بحران‌ها در قالب همکاری‌های جمعی و گروهی مثمر ثمر است. کنفرانس در این رمان، مکان مرکزی و محوری است و سایر مکان‌ها در حاشیه آن قرار دارند. این فضا محل تلاقی و برخورد دو گفتمان متضاد در داستان است؛ یکی گفتمان امپریالیستی یا نظام سرمایه‌داری غربی و دیگری گفتمان سوسیالیستی که راوی نماینده آن است و پیوسته توسط او برجسته‌سازی می‌شود. راوی در فصل اول رمان با عنوان «مؤتمر کغیره» از این مکان جهانی در قالب فضایی بین‌المللی با رنگ و بویی سیاسی یاد می‌کند: «حين دخلت قاعة الفندق لم يكن المؤتمر قد بدأ بعد. كانوا قد وضعوا منضدتين متجاورتين كمنصة وخلفها ثلاثة مقاعد و صفوا في القاعة حوالي ثلاثين مقعداً وإن لم يكن هناك غير ستة أو سبعة من الصحفيين جلسوا متناثرين وصامتين. ربما جاؤوا مثلي لأنهم لم يجدوا شيئاً آخر يفعلونه» (همان: ۹). راوی در اینجا به فرمایشی بودن برگزاری چنین کنفرانس‌هایی در نقاط مختلف جهان اشاره می‌کند. به‌زعم وی، در این کنفرانس‌ها صرفاً سخنرانی‌های صوری برگزار می‌شود و سخن‌گفتن و شعار دادن نیز هیچ بازخورد مثبتی در دستیابی به اهداف گروهی ندارد؛ بنابراین منتج به نتیجه نخواهد شد: جمله «ربما جاؤوا مثلي لأنهم لم يجدوا شيئاً آخر يفعلونه»، مبین این مطلب است که راوی در تبعیدگاه خود اگرچه به‌ظاهر برای روزنامه‌ای در مصر کار می‌کند؛ اما عملاً این کار او اهمیت چندانی ندارد و از آنجا که با سیاست‌های کلی روزنامه همسو نیست و به‌نوعی در تضاد است، مطالب ارسالی وی یا اصلاً چاپ نخواهد شد و یا اگر چاپ شود نصف و نیمه خواهد بود و حق مطلب ادا نمی‌شود: «قيدني العمل؟ أي كذب! لم أكن أعمل شيئاً في الحقيقة، كنت مراسلاً لصحيفة في القاهرة لا يهمها أن أرسلها، ربما يهمها بالذات ألا أرسلها» (همان: ۵).

یکی از حوادث محوری داستان که در بستر کنفرانس اتفاق می‌افتد، آشنایی راوی با هم‌سر دومش بریژیت است که به‌عنوان مشاور گردشگری در کنفرانس حضور یافته است. این آشنایی که در نهایت به ازدواج منجر می‌شود، می‌تواند در مفهومی ژرف‌تر، بیانگر آمیزش بین دو فرهنگ شرقی و غربی باشد که نمادی از تلاقی فرهنگ‌هاست و مفهوم چندفرهنگ‌گرایی را برجسته می‌کند. راوی این پیوند جدید را مدام در تقابل با ازدواج قبلی خودش قرار می‌دهد. عوض شدن فضای فرهنگی مصر بعد از روی کار آمدن سادات و تمایل او به بلوک غرب، باعث شد جریان فکری عبدالناصر جایگاه خودش را از دست بدهد و راوی چنین احساس کند که دیگر جایی برای تفکرات او در این فضا نیست و هم‌زمان با فکر

مهاجرت از مصر، به شکلی نمادین از همسر قبلی‌اش، منار، جدا می‌شود: «سیطرث علی الطفلین؟... لیکن... لماذا لم تفعل شیئاً لتقترب منهما أكثر؟ ألم تكن طول الوقت خارج البيت في الصحيفة أو في الاتحاد الاشتراكي أو خارج البلاد؟... علی أي شيء تلومها هنا بالضبط؟. كنت أبحث عن السبب. عن بذرة الخطأ. خطأي أنا أو خطأها هي، لكن ما علاقة هذه الأشياء بالمسألة» (همان: ۸). در واقع پیام حادثه ازدواج دوم راوی در این است که او تعلقات فکری خودش را در سرزمین زادگاهش رها می‌کند و به فکر حضور در یک بستر فرهنگی جدید است و فضای باز فکری و آزادی بیان موجود در یک جامعه دموکراتیک اروپایی را به زندگی در مصر ترجیح می‌دهد. حضور او در کنفرانسی که هدف آن بررسی و وضعیت حقوق بشر در کشورهای که در تقابل با جبهه امپریالیستی غربی قرار دارند، بیانگر آن است که او چنین فضایی را در سرزمین مادری خود نمی‌یابد: «ثم نظرت إليّ وسألتي: وأنت؟... عندما سألك صديقك هذا السؤال رفضت أن تعجب، فهل أنت سعيد هنا؟ - لا، لست سعيداً هنا - هل ستكون أحسن حالاً لو رجعت إلى بلدك؟ فكرت قليلاً قبل أن أرد ثم قلت وأنا أحك جيبيني: ليست المسألة سهلة. أنا مثلك مطلق، وأسررتي تعيش هناك. ولكنك صغيرة تستطيعين أن تبدئي من جديد لو رجعت أما أنا...» (همان: ۵۹).

۲-۲-۲. مکان‌های عمومی

این مکان‌ها شامل فضاهای اجتماعی همچون روستاها، شهرها، کشورها، قاره‌ها و برخی از امکان عمومی موجود در شهرها همچون دانشگاه، مدرسه، قهوه‌خانه، ورزشگاه و غیره است. انسان در چنین مکان‌هایی مجبور به اطاعت از قوانین افراد دیگر است (قاسم، ۲۰۰۲: ۴۴)؛ زیرا نگاه مردم در چنین مکان‌هایی همیشه به اطرافیان خودشان است و آن‌ها را زیر نظر دارند تا بسنجند آیا قوانین اجتماعی و عمومی در این مکان توسط دیگران رعایت می‌شود؟ به دلیل این‌که در مکان‌های عمومی، عوامل اقتصادی و سیاسی به شکل غیرقابل اجتنابی تأثیرگذار است؛ بنابراین چنین مکان‌هایی عموماً فضای شخصی و درونی مربوط به افراد جامعه را در خود پنهان می‌کند و یا بر آن فائق می‌آید (کورت، ۱۳۹۱: ۲۴۳). با توجه به این‌که موضوع اصلی رمان «الحب فی المنفی» مهاجرت است؛ بنابراین در این اثر با طیف وسیعی از قاره‌ها، کشورها، شهرها و اماکن موجود در شهرها روبرو هستیم که هرکدام از آن‌ها به شکل یک رمزگان فرهنگی در رمان بازنمایی شده‌اند و نویسنده سعی کرده با برقراری تقابل بین هرکدام از آن‌ها با نظیرشان به آن‌ها هویتی مستقل ببخشد:

قاره: قاره‌ها محل تلاقی فرهنگ‌های مختلف است؛ بنابراین می‌توان روابط میان کشورهای مختلف در قاره‌ها را از منظر مطالعات فرهنگی مورد بررسی قرار داد. در رمان «الحب فی المنفی» از قاره‌های آسیا، اروپا، آمریکا و آفریقا سخن به میان آمده است که عموماً از زبان راوی داستان توصیف شده و از برخی از جزئیات و آداب و رسوم مختلف آن سخن به میان می‌آید. راوی یک آفریقایی است که به اروپا

مهاجرت کرده و با همه احساس غربت، اکنون اروپا محل زندگی او است: «كنت قاهريا طرده مدینته للغربة في الشمال و كانت هي مثلي أجنبية في ذلك البلد، لكنها أوروبية و بجواز سفرها تعتبر أوروبا كلها مدینتها» (طاهر، ۲۰۰۱: ۲). راوی در اینجا به نوعی فضای سیاسی اروپا را با مصر که یک کشور آفریقایی است، مورد قیاس قرار داده و بیان می‌دارد که برخلاف گذرنامه‌های آفریقایی که محدود به کشوری مشخص است، گذرنامه اروپایی جواز تردد در کل قاره اروپا را برای دارنده‌اش فراهم می‌آورد. باید افزود که در این مثال مقایسه ضمنی بین دو قاره پیشرفته و عقب‌افتاده انجام شده است؛ اروپا رمزگانی است برای یک فضای فرهنگی با مرزهای باز و آفریقا رمزگانی برای یک قاره با مرزهای بسته فرهنگی و قومیت‌ها و جوامع بدوی بسته.

در جایی دیگر مرکزیت فرهنگی اروپا و تصور حاشیه‌ای بودن دیگر قاره‌ها به خصوص شمال آفریقا که منطقه زندگی عرب- آفریقایی‌ها (afroarabians) است، در تقابل زبان عربی و زبان‌های اروپایی ترسیم شده و در مقابل آن، اشاره به دنیای عرب و دو زبان انگلیسی و عربی شده است که می‌تواند باز نمود تقابل «خود- دیگری» باشد؛ علاوه بر این، زبان انگلیسی به عنوان زبان معیار، تداعی کننده حس برتری جویی فرهنگ غربی بر فرهنگ بومی است. در اثبات این مدعا باید گفت: «زبان یکی از متداول‌ترین ابزارها برای خلق دو قطب خود و دیگری و ترسیم کننده مرزهایی است که مشخص می‌سازد چه کسی باید درون و چه کسی، برون باشد» (Woodward, 1997: 10)؛ بنابراین زبان یکی از عناصر اصلی در حفظ استمرار و تداوم فرهنگی به شمار می‌آید. این نوع دیدگاه در گفتگوی زیر که میان راوی و امیر حامد -از سرمایه‌داران کشورهای عربی حوزه خلیج فارس- در جریان است، مشهود است: «قال الأمير حامد: بالضبط. لا نريد أن نكرر تجارب صحف لندن و باريس. - ولكن يوجد الآن بالفعل حشد من الصحف التي تخاطب العرب في أوروبا. فما رأي سموك في صحيفة عربية مطبوعة بالإنجليزية أو الفرنسية تقل وجهة نظرنا هنا؟.. ذلك هو ما نحتاج إليه بالفعل. كان هنا منذ وقت قريب زميل قادم من لبنان وجد صعوبة في أن ينشر مجرد خبر أو بيان» (طاهر، ۲۰۰۱: ۱۵۶). در این مثال امیرحامد معتقد است برای برون رفت زبان عربی از انزوا، لازم است روشنفکران عربی، زبان‌های مختلف را بیاموزند. به این ترتیب او به صورت غیرمستقیم بر سلطه زبان‌های اروپایی در گفتگوهای بین‌المللی بر دیگر زبان‌ها از جمله عربی صحنه می‌گذارد. لازمه تحقق چنین امری این است که ارتباط کشورهای مختلف در قاره‌ها -به عنوان مکانی عمومی جهت تلاقی فرهنگ‌ها- بیشتر از قبل صورت پذیرد.

کشور: کشورها نیز از جمله مکان‌های عمومی است که در این رمان به فراخور ایدئولوژی، باورها، هویت قومی و نژادی و جهان‌بینی شخصیت‌های داستان، به شکل خود و یا دیگری بازنمایی شده‌اند. راوی که بارها وابستگی خود به بلوک شرق را آشکار نموده، کشورهایی که به زعم وی در مقابل امپریالیسم غربی قرار گرفته‌اند را در جبهه خودی قرار می‌دهد و آن‌ها را قربانیان سیاست‌های

سرمایه‌داری غرب معرفی می‌کند. فلسطین، لبنان، عراق، مصر، لیبی و شیلی در این دسته قرار می‌گیرند و آمریکا، فرانسه، انگلیس، اسرائیل و اتریش در جبههٔ امپریالیسم غربی قرار می‌گیرند.

یکی از نمونه‌های تقابل بین کشورها در این زمان، جایی است که دکتر مولر به نمایندگی از اروپائیان وابسته به بلوک غرب در کنفرانس، دربارهٔ حملهٔ متحدان پیمان ورشو به چکسلواکی سابق در سال ۱۹۶۸ م بزرگنمایی می‌کند و ابراهیم محلاوی، دوست مهاجر راوی که در این صحنه همفکر اوست، در گفتگو با راوی بر مولر می‌تازد. ابراهیم گفتمان جبههٔ امپریالیستی غربی را با لحنی تمسخرآمیز مورد حمله قرار می‌دهد و نسل‌کشی آن‌ها در چکسلواکی سابق را این‌گونه به باد سخره می‌گیرد: «فقطا عنی ابراهیم قائلنا بشيء من الإشمئزاز والغضب: غزو تشیکوسلواکیا... هؤلاء الرفاق الأوروپيون حساسون حقاً! کم مات في هذا الغزو؟ واحد أم عشرة؟ و هل سمعت عن رأسمالي استقال من الرأسمالية عندما دارت الرشاشات وقتلت آلاف الشيوعيين في أستاذ شيلي وشوارعها؟ أو قبل ذلك عندما أصبحت مياه الأنهار في أندونيسيا حمراء قانية بدماء من ذبحوهم هناك... غزو تشیکوسلواکیا حقاً!» (طاهر، ۲۰۰۱: ۵۴). در جایی دیگر کشورهای اسرائیل، فلسطین و لبنان در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند: «لم يعلق إبراهيم على ذلك وأخذ بدلا من ذلك يحدثه عن دوريات إسرائيل التي تخطف الفلسطينيين من الجنوب. ثم أخرج من حقيته مجموعة الأوراق التي كان قد رتبها وقال لبرنار: خذ مثلاً. هذه حالة السائق اللبناني سعيد داکر. أوقف الجنود عربية الإسعاف التي كان يقودها في جنوب صيدا واعتبروه إرهابيا لأن السيارة كانت تتبع الهلال الأحمر الفلسطيني» (همان: ۷۲).

همچنین راوی در دفاع از گفتمان خود و جبههٔ بلوک شرق بسیاری از جنایات امپریالیسم غربی را در کشورهای استعمارزده به تصویر می‌کشد. او از شخصیت‌هایی در کشورهای مختلف نام می‌برد که همهٔ آن‌ها به‌طور موازی نماد ایستادگی در مواجهه با امپریالیسم هستند؛ از جمله جمیله بوخیرد، قهرمان ملی الجزایر در راه مبارزه با استعمار، پاتریس لومومبا در کنگو، آئنده در شیلی و عبدالناصر در مصر بوخیرد و عبدالناصر به‌عنوان یک نشانگان قومیتی، در کنار آئنده و لومومبا دلالت بر این محتوای پنهان دارد که گفتمان مکتبی (سوسیالیستی) می‌تواند ظرفیتی برای آمیزش قومیت، هویت و ایدئولوژی در کنار هم باشد: «من يعنيه مؤتمر تعقده لجنة اسمها لجنة الأطباء الدولية لحقوق الإنسان عن انتهاكات الحقوق في شيلي... أي شيلي وأي حقوق؟ انتهى يا صاحبي زمن الارتياح عندما ذبحوا الآلاف في استاد العاصمة هناك. انتهى زمن ذرف الدموع على الليندي بعد أن قتله العسكر. قتلوه بعد عبدالناصر بثلاث سنوات» (همان: ۱۱). «أقصد بكاء كباتي صيباً على «أم صابر» الشهيدة وعلى جنود البوليس الذين قتلهم الإنجليز في الإسماعيلية... كالكباء على جميلة بوخيرد حين عذبها الفرنسيون في الجزائر... كدموعي على لومومبا يوم قتلوه في الكونغو ودموع الناس في الشوارع يومها» (همان: ۵۲). در ظاهر امر شخصیت‌های نام‌برده شده ربطی به یکدیگر ندارند؛ زیرا هر کدام از منطقه‌ای در کرهٔ زمین انتخاب شده‌اند؛ اما با نظر به موضع سیاسی راوی که شباهتی عجیب و عامدانه به خود

نویسنده دارد، متوجه می شویم که این افراد و کشورهایشان در یک نظام نشانه‌ای یا به تعبیر لوتمن در یک سپهر نشانه‌ای قرار می‌گیرند.

شهر: ادبیات و به‌ویژه رمان که بیش از همه، ضرورت‌های زندگی مدرن را در خود بازمی‌تاباند، پیوندی تنگاتنگ با شهر دارد. رمان‌نویس این توانایی را دارد که جغرافیای اجتماعی- فرهنگی شهر را به‌خوبی ترسیم نماید و از پس نظم‌دادن به مکان‌ها و فضاها، مختلف، تجربه و رفتار شهری را توضیح دهد. در رمان‌های مدرن، هویت داستان‌نویس غالباً تحت تأثیر فضاهای شهری است که در آن زندگی می‌کند؛ بنابراین نمی‌توان در آن‌ها مرز میان خیال و واقعیت را به‌وضوح مشخص کرد؛ زیرا واقعیت شهرها در ساختار تخیلات داستان‌نویس تأثیری مستقیم دارد. در رمان «الحب فی المنفی» راوی توصیفی که از شهر قاهره ارائه می‌دهد، نوعی تقابل فرهنگی بین سرزمین مادری و تبعیدگاه خود که زادگاه همسر دومش هست برقرار می‌کند: «كنت قاهريا طردته مدينته للغربة في الشمال؛ و كانت هي مثلي، أجنبية في ذلك البلد، لكنها أوروبية و بجواز سفرها تعتبر أوروبا كلها مدينتها» (طاهر، ۲۰۰۱: ۱). راوی در این جا به‌نوعی فضای باز سیاسی اروپا را با مصر (قاهره) که یک کشور آفریقایی است، مورد قیاس قرار داده و بیان می‌دارد که برخلاف گذرنامه‌های آفریقایی که محدود به کشوری مشخص است، گذرنامه اروپایی جواز تردد در قاره اروپا را برای دارنده‌اش فراهم می‌آورد. در این مثال به‌وضوح اروپا رمز و نماد محیط فرهنگی بی‌مرزی معرفی شده که تقسیمات جغرافیایی و اختلافات قومی و نژادی در آن نمی‌تواند مانعی در جهت ارتباطات بین‌فرهنگی مردم قاره‌های مختلف باشد. سجودی این شکل از رابطه بین‌فرهنگی را رویکرد نه خود بلکه دیگری می‌نامد که دیگری را آرمانی جلوه می‌دهد (ر. ک: سجودی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

البته این تصور در راستای هژمونی فرهنگی جهان غرب است که به نظر می‌رسد راوی به‌عنوان یک مهاجر با صبغه کار فرهنگی از این هیمنه، اثر پذیرفته است.

راوی پس از تبعید از شهرش به یکی از شهرهای اروپایی به نام «ن» مهاجرت می‌کند؛ از این پس این شهر به‌عنوان کانون اصلی حوادث زندگی راوی در داستان ترسیم می‌شود: «ولما التقينا بالمصادفة في تلك المدينة (ن) التي قيدني فيها العمل، صرنا صديقين» (همان: ۱). شهر «ن» رمزی است برای مفهوم چندفرهنگ‌گرایی، به‌گونه‌ای که هرگاه سخن از این شهر به میان می‌آید، مفاهیمی مطرح می‌شود که دال بر برخورداری همه انسان‌ها از زندگی مسالمت‌آمیز و حقوق شهروندی همانند است. از دیگر سو؛ یکی از اهداف مطالعات در حوزه نقد فرهنگ، شکستن مرزهای نژادی و قومیتی و رسیدن به گفتگمانی بین‌المللی است (قطوس، ۲۰۱۶: ۱۹۸). از این‌که جهان، وطن انسان امروزی است و در دنیای مدرن امروز، انسان دیگر محدود به شهر و کشور خودش نیست؛ بلکه تمام جهان وطنش محسوب می‌شود: «ألسنت مثله ملونا وأجنيبنا وطريدا من بلدي؟ ولا مكان لي هنا ولا هناك مثلما لم يكن له مكان» (طاهر، ۲۰۰۱: ۲۰۰۱).

۱۲۱). نام‌گذاری «ن» به‌عنوان اسم شهر، بازنمون آرمانشهر جهانی است که همایشی بین‌المللی با همه قومیت‌ها در آن برگزار می‌شود. چه بسا سازمان‌های جهانی مثل سازمان ملل و دادگاه‌های بین‌المللی در ظاهر همین ایده را تقویت می‌کنند؛ اما هم‌زمان غرب‌محوری را نیز دنبال می‌کنند: «من یعینه مؤتمر تعقده لجنة اسمها لجنة الأطباء الدولية لحقوق الإنسان عن انتهاكات الحقوق في شيلي» (همان: ۹). راوی که طرفدار تفکر سوسیالیستی است، اشاره‌ای ضمنی دارد به این‌که برگزاری چنین کنفرانسی که مدعی استیفای حقوق بشر است، آن‌هم توسط پزشکان بین‌المللی، بی‌معنی است؛ بلکه چنین به ذهن متبادر می‌سازد که برگزاری چنین کنفرانسی باید توسط نهادهای جهانی مدعی حقوق بشر انجام پذیرد، نه پزشکانی که در حوزه روابط بین‌الملل و مسائل حقوقی مربوط به آن تخصص ندارند. نشانگان شیلی در این مثال، بیان‌کننده مورد ظلم واقع شدن دیدگاه مکتبی راوی است؛ زیرا شیلی روزگار آینده، در جبهه سوسیالیسم قرار می‌گیرد.

قهوه‌خانه: قهوه‌خانه از جمله مکان‌های عمومی است که در رمان معاصر عربی محل تلاقی اقشار و طبقات مختلف جامعه به شمار آمده و چون نشانه‌ای از فضای باز اجتماعی و سیاسی است، گرایش‌ها و رویکردهای فکری مختلف در آن گرد هم می‌آید (النابلسی، ۱۹۹۴: ۱۹۴). در رمان «الحب فی المنفی» این مکان داستانی نیز توصیف‌شده و در چند مورد نامی از آن به میان آمده است. به‌عنوان نمونه راوی در فصل چهارم قهوه‌خانه متعلق به یکی از شخصیت‌های داستان به نام «الن» را به تصویر می‌کشد: «تقابلنا فی المقهى المقابل للدار التي تعمل فيها، وكان ملتقى للصحفيين، تحرص صاحبة (إيلين) على أن تضع في أركانها صوراً فوتوغرافية للكتاب المشهورين» (طاهر، ۲۰۰۱: ۷۱). در این توصیف، قهوه‌خانه به‌عنوان یک مرکز فرهنگی معرفی می‌شود که تصویری از شخصیت‌های مختلف و همچنین افرادی حقیقی از طیف‌ها و گفتمان‌های مختلف در آن حضور دارند. این تصویر از قهوه‌خانه تداعی‌کننده نقش فرهنگی این مکان عمومی به‌عنوان یک مرکز فرهنگی در گسترش روابط بین‌فرهنگی در اروپای مدرن است؛ در حالی که در ظاهر قهوه‌خانه محل آسایش و تمدد اعصاب است؛ از جمله کافه‌ها و قهوه‌خانه‌های حوالی شانزه‌لیزه در پاریس که بسیاری از چهره‌های فرهنگی و ادبی جهان مانند کافکا در آن بالیده‌اند و در حوزه فرهنگ جهانی به‌عنوان محفلی برای تضارب آرا و تبادل افکار و بیان دیدگاه‌ها از طیف‌های مختلف شناخته می‌شود.

دانشگاه: دانشگاه یکی دیگر از مکان‌های اجتماعی و از مراکز مهم فرهنگی است که نقش بی‌بدیلی در داد و ستد فرهنگی در رمان «الحب فی المنفی» دارد. از جمله مواردی که نویسنده به این مکان اشاره نموده، آنجایی است که گریزی به دوران جوانی خود و دوران تحصیل در دانشکده ادبیات می‌زند: «فی مطلع الشباب، عندما كنت في كلية الآداب وتعلمت قراءة الأدب الأجنبي، كانت العبارة التي استهل بها تولستوي رواية «أنا كارنينا» تحيرني: كل الأسر السعيدة تتشابه ولكن كل أسرة شقية فريدة في شقائها. كنت أسأل نفسي لماذا يبدأ

روایت‌های عظیمه به‌عنوان حکمت‌هایی که تلاقی فرهنگ‌ها و همچنین دروازه ورود فرهنگ‌های بیگانه خود در دوران جوانی زده، دانشگاه را محل تلاقی فرهنگ‌ها و همچنین دروازه ورود فرهنگ‌های بیگانه به بستر جوامع عقب‌افتاده معرفی کرده است. او با یادآوری جمله‌ای حکمت‌آمیز از تولستوی، به‌طور ضمنی به سیطره فرهنگ اروپا بر دیگر مناطق جهان اعتراف کرده و بر مرکزیت این قاره مهر تأیید زده است. در دیدگاه راوی، دانشگاه به‌عنوان یک نهاد فرهنگی که منشأ غربی دارد، می‌تواند ابزاری برای سلطه فرهنگی یا هژمونی اروپا تلقی شود.

۲-۲-۳. مکان‌های شخصی

مکان‌های شخصی به فضاهایی اطلاق می‌شود که شخص در آن‌ها بر اساس سلیقه و ذوق شخصی خود عمل می‌کند. «این گونه مکانی خالق هویت شخصی و روابط درونی است و مکان‌هایی است که قابلیت‌های افراد و روابط شخصی را که برای افراد رضایت به همراه دارد، حفظ می‌کند» (کورت، ۱۳۹۱: ۲۵۵). انسان چنین فضاهایی را در سیطره خود دارد و با آن مأنوس است؛ بنابراین هرگونه تجاوز به فضاهای شخصی وی، تجاوز به حقوق و آزادی فردی تلقی می‌شود (قاسم، ۲۰۰۲: ۴۴). به دلیل این‌که راوی / قهرمان فردی تنهاست و افکار او بیشتر متمرکز بر موضع سیاسی او است مکان‌های خصوصی زیادی در رمان دیده نمی‌شود؛ زیرا روابط خانوادگی و عاطفی زیادی در رمان وجود ندارد؛ جز فلش‌بک‌های گاه‌وبیگاهی که به زندگی خود در مصر می‌زند. تنها چند مکان خصوصی محدود در رمان قابل بررسی و واکاوی است که در ادامه به هریک از آن‌ها اشاره می‌شود.

دفتر کار: دفتر کار راوی در قاهره و در تبعید یکی از مکان‌های شخصی و درونی در داستان است که در قالب تقابل دو گفتمان متفاوت استکباری با منشأ غربی و سوسیالیستی با منشأ شرقی بازتاب یافته است: «قلت ضاحکا: أظن أن السبب هو مكتبي. قال إبراهيم في دهشة: أي مكتب؟ أشرت بيدي في حركة دائرية تصور مكانا وأكملت: المكتب. الغرفة التي أجلس فيها في الصحيفة. كان مكتبا كبيرا كما يليق بئانب رئيس تحرير، وكان هناك كثير ممن ارتقوا يطمعون فيه ولكني كنت هناك كالمهم على القلب ولم يعرفوا كيف يطرءونني منه أظن أن إبعادي كات مقررا من أول يوم في إنقلاب السادات غير أنهم فوجئوا بأن إسمي لم يكن في قائمة التنظيم السري للإتحاد الأشرافي» (ظاهر، ۲۰۰۱: ۳۴). چنان‌که ملاحظه می‌شود، به‌جای این‌که جزئیات دفتر کار به‌عنوان یک مکان شخصی توصیف شود، راوی به تشریح کارکرد فرهنگی این فضای شخصی می‌پردازد. تصویر فوق‌بار دیگر بیانگر اختلاف موضع سیاسی راوی و طرفداران او از تفکر عبدالناصر است که با آمدن انور سادات به فضای سیاسی مصر آن دوران، این شخصیت محوری داستان دیگر جایگاهی برای خود در مصر متصور نیست. وی همین رویه را در توصیف اتاق کارش در غربت نیز ادامه می‌دهد. اولین چیزی که به محض ورود به اتاق به آن اشاره می‌کند، تصویر عبدالناصر است که به او لبخند می‌زند. این

تصویر نشان می‌دهد که نویسنده حتی در شخصی‌ترین و درونی‌ترین فضاهاى خود هم موضع سیاسى‌اش را در مقدمه افکارش قرار می‌دهد: «عندما فتحت باب الشقة أطل علي عبدالناصر مبتسما من صورته الملونة على الحائط. وكانت في يدي الأشياء التي وجدتها في صندوق البريد. أعداد من الصحيفة مرسله من القاهرة وأوراق الإعلانات الكثيرة... فوضعت الأعداد الجديدة على المكتب في الصالة فوق الصحف الأخرى» (همان: ۸۷).

آپارتمان: در مطالعات نشانه‌شناختی شاهد کارکرد دوقطبی خانه / آپارتمان و خارج هستیم: گاه خانه رمز «خود» است و خارج، رمز «دیگری» و گاه خانه رمز امنیت و خارج، رمز خطر و آسیب. در برخی منابع کارکردی معکوس از خانه و خارج ارائه می‌گردد؛ به‌طوری‌که خانه رمز زندان و خارج، رمز آزادی تلقی می‌شود (زیتونی، ۲۰۰۲: ۱۳۰). در رمان «الحب فی المنفی» این تقابل دوقطبی را در هنگامی که راوی به توصیف جزئیات آپارتمان محل سکونت بریزیت می‌پردازد، شاهد هستیم. او به هنگام توصیف جزئیات آپارتمان، تصویری از شاعران سوسیالیست اروپایی، یعنی فدریکو گارسیا لورکا، شاعر اسپانیایی و هاینریش هاینه، شاعر آلمانی را ارائه می‌دهد که این دو در گستره فرهنگی اروپا به‌عنوان نماد مبارزه علیه امپریالیسم غربی شناخته می‌شوند. راوی در این تصویر بار دیگر موضع سیاسى خودش را برجسته می‌کند، درست همانند تصویری که از عبدالناصر در دفتر کارش در غربت نشان داده بود: «كانت شقتها في الدور العاشر... تجولت في الغرفة شبه الخالية... وإلى جوار تلك الأشرطة كان هناك عدد من الكتب. قرأت العناوين وكانت معظمها روايات بوليسية بالألمانية والانجليزية أغلفتها مهترئة وعلى واحد منها صورة فتاة مذبوحة جاحظة العينين وعلى غلاف آخر صورة رجل بيده مسدس يخرج دخانا ويختفي وجهه تحت قبعة. ولكنني وجدت أيضا وسط هذه الكتب ديوان شعر بالألمانية لهائيني ومجلدا يضم أشعار لوركا بالإسبانية» (طاهر، ۲۰۰۱: ۵۸). همچنین در بخشی از این توصیف اشاره به لباس سنتی ژاپن، کیمونو و کتاب‌هایی شامل رمان‌های پلیسی به زبان آلمانی و انگلیسی دارد که به‌نوعی کارکرد فرهنگی آپارتمان را در گستره جهانی نشان می‌دهد، هرچند آپارتمان، فضایی خصوصی است. این تصویر در تضاد با خانه‌های سنتی است که معمولاً در آنها، المان‌ها و نمادها، بومی و محلی هستند: «قلت وأنا أجلس على المقعد قبالتها مشيرا إلى الغرفة وإلى فتاة الكيمونو: من أين جاءتك هذه الأفكار اليابانية؟ فقالت بابتسامة خفيفة: لم تأتي أفكار يابانية ولا صينية. عندما سكنت هنا لم أكن أملك شيئا أبداً وكانت هذه أخص طريقة لتأثيث المكان...» (طاهر، ۲۰۰۱: ۵۸).

نتیجه

پس از واکاوی دلالت مکان‌ها در رمان الحب فی المنفی بر مبنای مطالعات فرهنگی نتایج ذیل حاصل شد: - آنچه باعث شده مکان از سطح نمادینگی بالایی در این رمان برخوردار باشد، معرفی شهر محل برگزاری کنفرانس توسط راوی به‌عنوان یک شهر گمنام و با علامت اختصاری «ن» است. ضمناً حضور راوی

به‌عنوان شخصیت اصلی و محوری رمان از مکان‌های شخصی به سوی مکان‌های عمومی و بین‌المللی در فرآیند مهاجرت باعث می‌شود که رمزگان مکان دلالت‌های گسترده‌ای بیابد.

- رمزگان‌های مکان در رمان «الحب فی المنفی» را می‌توان در سه سطح دسته‌بندی کرد. این سه سطح به ترتیب دامنه شمول عبارت‌اند از: مکان‌های جهانی، مکان‌های عمومی و مکان‌های شخصی (خصوصی). هرکدام از این مکان‌ها به شکل یک رمزگان فرهنگی در رمان بازنمایی شده و به فراخور روابط بینافرهنگی حاکم بر آن و نحوه تعامل گفتمان‌های مختلف، دلالت خاصی پیدا می‌کند.

- راوی به‌عنوان طرفدار گفتمان سوسیالیستی، گرچه در تقابل با گفتمان امپریالیستی است؛ اما گاهی مرکزیت جبهه امپریالیسم غربی را می‌پذیرد. تقابل او با فرهنگ غربی، به‌منظور زدودن سلطه غرب است، به‌جای اینکه برخورد متعصبانه با آن داشته باشد. این دیدگاه راوی چنین القا می‌کند که برای از بین بردن سلطه طرف مقابل ابتدا باید به ابزار سلطه او مسلح شد و در نهایت سلطه‌اش را از بین برد. چنان‌که این دیدگاه در تحلیل دلالت رمزگان‌های دانشگاه، گذرنامه اروپایی و روزنامه به زبان انگلیسی پیداست.

- درک لایه‌های معنایی رمان فوق، به‌خصوص مفهوم مکان، نیازمند سطح اطلاعات و آگاهی گسترده‌ای از جریانات سیاسی و فرهنگی جهان معاصر است؛ به‌خصوص روابط فی‌مابین امپریالیسم غربی و سوسیالیسم منتسب به بلوک شرق. همچنین شناخت کافی از روابط بین‌ملتها و مردم در سطح جهان و المان‌ها و نمادهای فرهنگی را می‌طلبد.

منابع

منابع عربی

- زیتونی، لطیف. (۲۰۰۲ م)، معجم مصطلحات نقد الروایة، ط ۱، بیروت: مكتبة لبنان.
- طاهر، بهاء. (۲۰۰۱ م)، الحب فی المنفی، ط ۱، القاهرة: دار الهلال.
- عزام، محمد. (۲۰۰۵ م)، شعرية الخطاب السردی، ط ۲، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- الغدامي، عبدالله. (۲۰۰۰ م)، النقد الثقافي: قراءة في الأنساق الثقافية العربية، ط ۱، بیروت: الدار البيضاء.
- قطوس، بسام. (۲۰۱۶ م)، دليل النظرية النقدية المعاصرة: مناهج وتيارات، الكويت: جامعة الكويت.
- النابلسي، شاکر. (۱۹۹۴ م)، جماليات المكان في الرواية العربية، ط ۱. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.

منابع فارسی

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۴)، زبان‌شناسی کاربردی و مسائل میان‌رشته‌ای، چاپ اول تهران: علمی.
- رضایی، محمد. (۱۳۹۰ ش)، «مطالعات فرهنگی و آینده علوم اجتماعی در ایران: مطالعات فرهنگی ایرانی، انواع و آسیب‌ها»، دانشگاه تهران: برگ فرهنگ، دوره ۱۱، شماره ۲۳، صص ۳۶-۵۹.

- سجودی، فرزانه. (۱۳۹۰ ش)، نشات‌شناسی: نظریه و عمل، چ ۱، تهران: علم.
- قربانی مادوانی، زهره؛ عربی، مینا. (۱۳۹۷ ش)، «تحلیل نشانه‌شناسی فرهنگی رمان موسم الهجرة إلى الشمال» بر مبنای الگوی طبیعت و فرهنگ، دانشگاه امام خمینی: لسان مبین، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۸۱-۱۰۰.
- کالر، جانانان. (۱۳۹۰ ش)، در جستجوی نشانه‌ها، چ ۱، تهران: علم.
- کریمی، ایوب. (۱۳۹۱ ش)، «مفهوم هژمونی و امکان قدرت‌یابی گفتمان‌های حاشیه‌ای»، دانشگاه شهید بهشتی: رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۵، شماره ۲۹، صص ۱۷۵-۱۹۱.
- کورت، وسلی. (۱۳۹۱ ش)، زمان و مکان در داستان مدرن، ترجمه: گنجی، فرناز و اسماعیل‌پور، محمدباقر، چ ۱، تهران: آوند دانش.
- محمدحسینی، احسان. (۱۳۹۶/۹/۱۷ ش)، «مفهوم فرودگاه در دنیای مدرن»، سی‌ناپرس: <https://sinapress.ir>
- میرصادقی، جمال. (۱۳۹۲ ش)، عناصر داستان، چ ۸، تهران: سخن.
- هرمن، دیوید و همکاران. (۱۳۹۱ ش)، دانشنامه روایت‌شناسی، ترجمه: محمد راغب و همکاران، چ ۱، تهران: علم.

References

- Aghagolzadeh, F. (2014). *applied linguistics and interdisciplinary issues* (1st ed.). Elmi Publications. (in Persian)
- Al-Ghazami, A. (2000). *Cultural Criticism: A review of different Arabic culture types* (1st ed.). Baida Publications. (in Arabic)
- Al-Nabulsi, S. (1994). *Aesthetics of place in the Arabic novel* (1st ed.). Arab Research and Publishing Institute. (in Arabic)
- Azzam, M. (2005). *The poetry of narrative discourse* (2nd ed.). Union of Arab Writers. (in Arabic)
- Ghorbani Madovani, Z., & Arabi, M. (2018). Analysis of the cultural semiotics of the novel Season of Migration to the North based on the model of nature and culture. *Journal of Lisan-i Mubin*, 9(32), 81-100. (in Persian)
- Herman, D., et al. (2012). *Encyclopedia of Narratology* (M. Ragheb, et al., (trans.); 1st ed.). Elm Publications. (in Persian)

- Kahler, J. (2011). *In search of signs* (1st ed.). Elm Publications. (in Persian)
- Karimi, A. (2014). The concept of hegemony and the possibility of gaining power through marginal discourses. *Journal of Political and International Approaches*, 5(29), 175–191. (in Persian)
- Kurt, W. (2014). *Time and place in modern fiction* (F. Ganji & M. B. Ismailpour (trans.); 1st ed.). Avand Danesh. (in Persian)
- Mirsadeghi, J. (2013). *Story elements* (8th ed.). Sokhan. (in Persian)
- Mohammad Hosseini, E. (2017). *The airport concept in the modern world*. <https://sinapress.ir/> (in Persian)
- Qatous, B. (2016). *A Guide to Contemporary Critical Theory: Approaches and Currents*. Kuwait University. (in Arabic)
- Rezaei, M. (2011). Cultural studies and the future of social sciences in Iran: Iranian cultural studies, types and harms. *Barge Farhang*, 11(23), 36–59. (in Persian)
- Sojodi, F. (2011). *Semiotics: theory and practice* (1st ed.). Elm Publications. (in Persian)
- Tahir, B. (2001). *Love in Exile* (1st ed.). Al-Hilal Publications. (in Arabic)
- Woodward, K. (1997). *Identity and difference* (Vol. 3). Sage.
- Zeitouni, L. (2002). *Encyclopedia of narratological terms* (1st ed.). Lebanon Library. (in Arabic)

دلالة المكان كرمز ثقافي في رواية "الحب في المنفى" لبهاء طاهر*

رضا درويش زاده^١، علي اكبر احمدى تشنارى^٢،* عبدالباسط عرب يوسف آبادى^٣

^١ خريج الماجستير في اللغة العربية وآدابها، جامعة زابل، زابل، ايران.

^٢ أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها، جامعة زابل، زابل، ايران.

^٣ أستاذ مساعد في اللغة العربية وآدابها، جامعة زابل، زابل، ايران.

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة:	إن المكان من حيث المعنى والدلالة تبدل من عنصر ثابت إلى عنصر طلق و سلس في يومنا هذا، وذلك بسبب التعاملات الثقافية والتحركات الواسعة للإنسان. تظهر هذه السيوالة في روايات تنعكس فيها الهجرة والاعتراب أكثر من الروايات الأخرى بحيث تبدو كمستوى للتعاملات الثقافية وتعددية المعاني. «الحب في المنفى» للروائي المصري بهاء طاهر من الروايات التي يؤثر فيها المكان كعنصر مهم يساعد المتلقي على فهم حبكة السرد. لقد تسببت التعاملات الثقافية في أن يصبح مكان الرواية رمزاً ثقافياً له دلالات عميقة ومعقدة. وهذه الدراسة معتمدة على المنهج الوصفي- التحليلي وموَكَّدة على إنجازات الدراسات الثقافية تسعى أن تميظ اللثام عن دلالات المكان في هذه الرواية. تظهر النتائج أن المؤتمر الدولي يلعب دوره كمكان مركزي يتم من خلاله مواجهة الخطابات والثقافات ويتم تشكيل أحداث الرواية حوله. كما أن لكل مكان في هذه الرواية دلالات خاصة بها وفقاً لتبادلاتها الثقافية، وأن مفاهيم مثل الهوية والأيدولوجيا والأنماط الفكرية والثقافية لشخصيات الرواية تلعب دوراً مهماً في فهم المكان ودلالاته.
مقاله محكمة	
تاريخ الوصول:	
١٤٠١/٠٩/١٧	
تاريخ القبول:	
١٤٠٢/٠٤/١٠	
الكلمات المفتاحية: المكان، التعاملات الثقافية، الرموز الثقافية، بهاء طاهر، «الحب في المنفى».	

الاقباس: درويش زاده، رضا؛ احمدى تشنارى، علي أكبر؛ عرب يوسف آبادى، عبدالباسط. (١٤٠٣). دلالة المكان كرمز ثقافي في رواية "الحب في المنفى" لبهاء طاهر، السنة السادسة عشرة، الدورة الجديدة، ، السنة السادسة عشرة، الدورة الجديدة، العدد الخامس و الخمسين، ربيع ١٤٠٣، ١٢٤-١٠٦.



المعرف الرقمي: 10.30479/Im.2023.18140.3479

الناشر: جامعة الإمام الخميني الدولية
حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.